



۲۱ سپتامبر ۲۰۱۷

میر عبدالواحد سادات

## ذهنیت تکفیری و تداوم کشتار، سلاخی ارزشهای مدنی و...

این نقدواره بنام خداوند برابری انسانان، بدفاع از ارزشهای والای برادری، برابری و مساوات، ذهنیت تکفیری را آماج قرار میدهد که عامل ذهنی قتل و خونریزی بوده و مخربتر از مخوفترین تروریستان قاتل میباشد.

ما همه روزه از کشتار طالب و داعش و پرتاب مادر بمب ها بر سر آنان خوشحالی مینماییم و اما غافل از آنیم که با « ذهنیت تکفیری » و فکر جهادی – طالبانی و داعشی که بر مبنای آن ذهن تروریست در فابریکه ( مدارس ) پاکستان و افغانستان تولید میگردد، مقابله نماییم.

ذهنیت تکفیری با طرح دارالسلام و دارالحرب، مخالفان را « کافر » خوانده و برای مشروعیت « فتوای خویش به آیات و احادیث استناد مینماید. این ذهنیت در طول تاریخ و از جمله در صد سال اخیر با الهام از مدرسه دیوبند و به اشکال مختلف تاکنون، در جدل تاریخی علم و جهل و بعد از شمس النهار که تجدد و تقابل آن با سنت مطرح است و طی جنبش های مشروطیت اول و دوم و نهضت امانی و « لاتی » خواندن شاه امان اله و ... تا کنون از جهل پاسداری و برای بغاوت زمینه سازی نموده است.

در پنجاه سال اخیر و در دهه دیموکراسی همین ذهنیت تکفیری مشوق شهادت عبدالرحمن در لغمان، عبدالقادر در هرات و سیدال سخندان در پوهنتون کابل گردیده است. اعلام بغاوت در برابر اولین جمهوریت افغانستان و آمدن گروههای مسلح خرابکار در سال ( ۱۹۷۵ م ) از پاکستان بر مبنای فتوای غیر اسلامی ساختن دولت و یا در خطر افتیدن دین اسلام، صورت گرفته است. البته در مراحل بعدی و حتی در جنگ های ذات البینی تنظیم های « جهادی »، فتوا های کشتار همدیگر را بخاطر صادر مینمودند که هر کدام خود را محق و مخالف را « میاح الدم » می پنداشتند، در آندوره که جوی های خون جاری و شهر شریف کابل به تل خاک مبدل گردید، میخ ها بر سر مخالفان تنظیمی، مذهبی و قومی کوبیده شد.

در نهم سپتامبر و در خیمه لویه جرگه این ذهنیت بگونه دیگر و توسط یکی از بلند گویان ارشد این تفکر بیان گردید، ( تا جایگاه شکست خورده و تاریخ تیر شده ارسوگرایی « جهاد » و سیطره تسلط مافیایی آنان تحکیم یابد ) و صاف و ساده شهروندان کشور به درجه یک و ثانوی تقسیم و اعلام گردید که « مجاهد » برترو با دیگران مساوی نمی باشد و منکر آن « کافر باله » است. ( فاعتبرو یا اوالبصار ) در توجیه این بیان آیتی از قران کریم قراحت گردید.

ما بخوبی میدانیم که این آیت « مدنی »، شماره ( ۹۵ ) سوره نسا است که در زمان هجرت پیغمبر اسلام در مدینه نازل گردیده و دلایل تاریخی و شان نزول آن وضاحت دارد و البته حکم « کافر » درین آیت شریف مصداق ندارد. حکم « کافر » بحکم آیت سوم از سوره ابراهیم بر کسانی اطلاق میگردد که: « دین را به دنیا فروخته اند »

که آوردند پیغام خدا را  
خدا و جبرئیل و مصطی را

ز ما بر صوفی و ملا سلامی  
ولی تاویل شان در حیرت انداخت

د پائو شمیره: له ۱ تر ۴

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)

پاڼونه: دلیکنی دلیکنیزی بنی پازوالی د لیکوال په غاړه ده، هبله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لولئ

میرهن است که در دین اسلام موضوع اصول و فروع مطرح است و از قرار معلوم عدالت و تقوا در ردیف اصول و از مسایل بنیادی است که بر اساس حکم آیت ( ۱۳ ) سوره الحجرات : متقی ترین ، مکرّم ترین مردم است.

همین اکنون در افغانستان تا بیست گروه « جهادی » با ذهنیت تکفیری فعال اند و هر کدام به ضم خودشان « جهاد » و گویا بخاطر « اسلام » شمشیر میزنند و کشتن مخالف را مباح الدم و افتخار میدانند.

از جمع هفت و هشت تنظیم « جهادی » کم نیستند کسانی که سخنرانان آن جلسه را تیکه داران « جهاد » و طالبان آنانرا « اهل شر و فساد » خطاب مینمودند .

اظهرمن الشمس است که مخاطب ما کتله وسیع « مجاهدین » نمی باشد و هدف تیکه داران « جهاد » ، تاجران دین و مافیایی « جهادی » است که بخاط جلابی سیاسی دین و آیین مردم را به بازی گرفته و اجزای متشکله (کلیتوکراسی) و همین شرکت سهامی حکومت « وحدت ملی » میباشند و بمثابه فرعونان ماورای قانون ، چور و چپاول و تعرض بر حقوق مردم و ذخایر نجومی پول را حق الاشتراک در « جهاد فی سبیل اله » میدانند . در همین روزیکه آقایان در خیمه لویه جرگه مصروف حرافی و باجگیری سیاسی بودند ، تلویزیونهای مختلف صحنه ها و تصاویر از فامیل های « مجاهدین » فقیر و بی خانه ، شهدا ، یتیمان و بیوه ها را نشان دادند که بخاطر قوت و لایموت زندگی ، مجبور اند ، فرزندان شانرا بفروش برسانند.

جهاد اصلی و جهاد اکبر ، جهاد با « نفس اماره » است که تیکه داران « جهاد » درین امتحان خداوندی ناکام مطلق اند :

**دشمن تو - نفس کافر کیش توست  
و آن هوایی طبع بد اندیش توست**

ذهنیت جهادی - تکفیری در دوران جنگ سرد به سازماندهی مثلث ( جنرال کیسی ، صعود الفیصل و جنرال ضیا الحق ) دهها هزار شرارت پیشه گان شریربین المللی عرب و عجم را به جنگ افغانستان گسیل نمودند که عواقب دهشتبار آن حتی امنیت جهانی را به مخاطره کشانیده و آتش افروزی آنان برج های قدرت سرمایه داری امریکا را در نیویارک فروریخت و از کابل و تا بیروت مراکز تشنج و دهشت بریا و پاکستان به مرکز این ارعابیون مبدل گردیده و متاسفانه چهل سال است که افغانان قربانی دهشت و ترور می باشند.

در مورد « جهاد » افغانستان زیاد حرف زده میشود و اما هیچگاهی دقت و آسیب شناسی صورت نگرفته است که این یک موضوع متنازع فیه است ، از لحاظ تاریخی و آغاز « جهاد » بر ضد نخستین جمهوریت افغانستان در پلان بوتوی پدرو تحت قیادت جنرال نصراله بابر ، انجام یافته و به همین خاطر جنرال موصوف سمت پدر معنوی تنظیم های « جهادی » را داشته و در دوربعدی بازی همین نقش و سمت را در مورد طالبان نیز دارا بود . بروایت کتاب « سپاهی گمنام » اثر دگروال یوسف که توسط فردوس کاوش به دری برگردان گردیده است ، جنرال اختر عبدالرحمن خالق ستراتیژی ( قتل با هزار زخم ) طراح « جهاد » و ستراتیژیست مقاومت ضد شوروی میباشد که سازمان استخباراتی آی اس آی آنرا به پالیسی مبدل و دگروال یوسف مسول دفتر افغانستان آن سازمان آنرا تطبیق نموده است . دولت امریکا در جولای ( ۱۹۷۹ م ) کمکها را شروع و مراکز تربیه « مجاهدین » را در پاکستان ایجاد کرد . بار ها شنیده ایم و خوانده ایم که برژینسکی طراح « جهاد » افغانستان بود و عکس های سمبولیک او دردره خیبرکه میل تفنگ را بجانب افغانستان نشان گرفته ، ثبوت آن میباشد . هیچ شکی وجود ندارد که هجوم نظامی امریکا در سال ( ۲۰۰۱ م ) به « همت » و همکاری همین تنظیم های « جهادی » سهل و کم مصرف گردید که چگونگی آن در کتاب « ماموریت سقوط » ، تالیف گریشرون به صورت مشروح بیان گردیده و در صفحه ( ۱۴۳ ) از ملاقات مسول عملیاتی سی آی آ با جناب سیاف ، موافقت او با هجوم نظامی امریکا و سپردن بسته دالر برایش نوشته است .

د پانوی شمیره: له ۲ تر ۴

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته راښوې. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینګه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)  
پاډونه: دلپکنی د لیکنیزې ښې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په څیر و لولئ

درین تقسیم بندی و خط کشی میان شهروندان جامعه در واقع اکثریت بالاتر از نود و پنج فیصد مردم درجه دوم قلمداد گردیده و باید « مرهون » اقلیت ارستوکراسی « جهاد » باشند . اگر با چشم باز جامعه نگاه نماییم ، با این حقایق مواجه هستیم : « قوم » جوانان افغانستان بزرگترین گروه اجتماع کشور میباشند که بیشتر از شصت فیصد آن کمتر از ( ۲۵ ) سال عمر دارند ، « قوم » فقیران کشور که تا هشتاد فیصد نفوس را احتوا و بالاتر از پنجاه فیصد آن زیر مرز فقر حیات بسر میبرند ، « قوم » زنان که بالاتر از پنجاه فیصد نفوس را تشکیل میدهند و به همین ترتیب « قوم » مهاجران ، « قوم » بیوه و یتیمان و معلولان ، معتادان و ... و « قوم » بیکاران و ... که مجموع این گروه های جامعه از جنگ و جنگ سالار ، تاجر دین ، تیکه دار « جهاد » و دکانداران قوم نفرت دارند و امنیت و تغییر و اصلاحات میخواهند . افزون بر این حقایق بهتر است آقایان بدون این نمک پاشی ها به زخم های مردم به اراده آنان احترام نمایند و ما شاهد بودیم که جناب سیاف در حالیکه روسای مجلسین پارلمان ، امیر پر مدعای هرات و ... در رکابش بود و پول فراوان در اختیار داشت به فیصدی نا چیز رای مردم دست یافت و چه بهتر که در همان حدود و ثغور خواست های شانرا عیار نمایند .

### بعد حقوقی موضوع :

بزرگترین دستاورد بشریت متمدن تسجیل برابری و مساوات شهروندان جهان در اسناد معتبر حقوقی مصوب سازمان ملل متحد میباشد ، مساوات و برابری که هزاران سال بشر بخاطر آن مبارزه و قربانی داده است و بمثابة حقوق طبیعی افراد بشر محسوب و جز لایتجزای حق هر انسان پنداشته میشود و در اعلامیه جهانی حقوق بشر و میثاقهای جهانی ناشی از آن مسجل و در قانون اساسی افغانستان نیز درج گردیده است و بی نیاز از اثبات است که این تقسیم بندی شهروندان به درجات بالا و پاهین در تناقض آشکار با اسناد یاد شده قرار دارد . جالب است که همیشه گفته میشود که قانون اساسی خط سرخ ما در مذاکرات صلح میباشد و در حالیکه آقایان آنرا زیر پا میگذارند .

### اثرات زیانبار موضوع بر جامعه :

اسلام سنتی افغانستان در بیشتر از هزار سال و تا آمدن پای استعمار و تاسیس مدرسه دیوبند ، اسلام متساهل و آمیخته با عرفان بوده است و به شهادت تاریخ بزرگترین فرهنگ سالاران که در عین حال شخصیت های بزرگ اسلامی نیز میباشند همانند حضرت سنایی ، مولانا ، جامی و ... رحمن بابا ، امیر علی شیر نوایی و ... بستر فرهنگی را بوجود آوردند که تساهل ، تسامح ، تحمل و ... مظاهر عالی آن بوده و باعث همدیگر پذیری در جامعه ایکه بذات متکثر و کثیر القومی است ، گردیده است . در صد سال اخیر و با خلق اسلام سیاسی و بخصوص در اوج جنگ سرد که افغانستان بحیث نطح آن جنگ استعمال گردید و تا کنون ، ما شاهد دگرگونی در اسلام واقعی و سنتی افغانستان و منطقه میباشیم و ضرور است تا این موضوع مورد نقد گسترده دانشمندان ما قرار گیرد و به این سوال پاسخ داده شود که اسلام سیاسی همان دین اسلام است ؟ و یا ایدیالوژی سیاسی میباشد ؟

بدین ترتیب در حالیکه جامعه مصیبت زده و در حال جنگ ما که بشدت طی چهل سال اخیر منقطب گردیده و از هم پاشیده است ، نباید با نمک پاشی مجدد ، متلاشی تر و از هم پاشد .

بزرگترین رسالت تمام نیرو های مطرح افغانستان این است که در راستای علاج درد بی درمان کشور چاره سازی نماییم . در حالیکه سوال ارزشهای والای انسانی و عدالت اجتماعی مطرح است ، نمیتوان سکوت کرد و یا به سبک و سیاق پدر فساد ، رییس جمهور قبلی و یا همانند مارکسیست – لیننیست اسبق و شاگرد سابق مکتب فرانکفورت به این تقسیم بندی ها ، سر شور داد .

این قلم بدون هر نوع حب و بغض شخصی و سیاسی این نقدواره را بحساب ستیز اندیشه و بخاطر دفاع از ارزشهای متعالی مدنی ( آزادی ، برابری ، برادری و مساوات ) و ایقان به این اصل جاودان که هیچ انسان و افغان بریکبر برتر و کمتر نمیباشد ، این نقدواره را بخدمت هموطنان عزیز مطرح و امیدوار است تا دوستان و بشمول مدافعان

د پایو شمیره: له ۳ تر ۴

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته راښوای. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)

یادونه: دلپکنی د لیکنیزې ښې پازوالې د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په څیر و لولئ

نظرات نقد شده ، در بحث و به اصطلاح « جدل احسن » به مسایل از دیدگاه منافع مردم و مصالح علیای کشور مکث نماییم.

در حالیکه سونامی دهشتبار و خانمانسوز بنیادگرایی به اصطلاح اسلامی در مخوفترین اشکال آن هستی ما را تهدید مینماید ، قیل از آنکه کشتی شکسته افغانستان غرق گردد ، باید به اتکا به حقوق شهروندان متساوی الحقوق به وحدت ملی که هست و بود کشور کثیرالقومی ما در گرو آن است ، چنگ بزینم و برتری ها و بهترین ها را در همان اصل قرآنی تقوا و صفات اهورایی فضیلت ، راستی و درستکاری و ارزشهای والای مدنی جستجو نماییم و در پرتو حاکمیت قانون ، وطن به عزا نشسته را به « انسانستان » ، برای انسانان مستمند آن سرزمین و افغانستان عزیز مبدل سازیم.

با حرمت

---

د پانو شمیره: له ۴ تر ۴

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینګه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)  
یادونه: دلپکنی د لیکنیزې بنی پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په ځیر و لولئ